

وجوه افتراق عقد منقطع ازدائم و بازتاب آن در قوانین موضوعه

(تاریخ دریافت ۱۴۰۳/۰۴/۲۹، تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۶/۰۲)

دکتر جهانبخش غدیری^۱

استادیار حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران.

میلاد بیرانوندی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد خرم آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم آباد، ایران

چکیده

فلسفه تشریع نکاح موقت با عقد دائم متفاوت بوده و شارع حکیم به مقتضای طبیعت انسان و با توجه به ویژگی هایی که در نهاد بشریت به ودیعه نهاده است، به تبیین احکام این قسم از نکاح پرداخته است. تفاوت های موجود بین دو نهاد دائم و موقت در فقه امامیه، منشاء ایجاد آثار حقوقی متفاوت نیز گردیده و متعاقباً این آثار حقوقی متفاوت، به مرور زمان به قوانین موضوعه نیز ورود کرده است. مع الوصف به نظر می رسد که قانون مدنی، قانون تأمین اجتماعی، قانون حمایت از خانواده و قانون مجازات اسلامی از جمله قوانینی هستند که در خلال آن ها، بازتابی از آثار حقوقی متفاوت بین دو نهاد دائم و موقت مشاهده می شود؛ لذا نوشتار حاضر در پژوهشی توصیفی-تحلیلی، با برشمردن ویژگی های نکاح موقت، به تحلیل و تبیین تفاوت های مصرح و غیرمصرح عقد منقطع با دائم در قوانین موضوعه پرداخته و با نگرشی انتقادی، برخی از قوانین موجود را به چالش کشیده و پیشنهاداتی در این باب ارائه نموده است.

واژگان کلیدی: نکاح دائم، نکاح موقت، فقه امامیه، قوانین موضوعه

^۱ نویسنده مسئول (jghadiri1349@yahoo.com)

مقدمه

مطالعات جامعه شناسان حکایت از آن دارد که نکاح در دوران جاهلیت، دارای اقسامی به قرار ذیل بوده است: «نکاح الاستبضاع»^۱، «نکاح الرّهط»^۲، «نکاح البدل»^۳، «نکاح المقت»^۴، «نکاح الجمع»^۵، «نکاح الخدن»^۶، «نکاح الشغار»^۷، «نکاح السفاح»^۸ و «زواج المتعه» (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۹-۱۱). زواج المتعه یا ازدواج موقت ازدواجی است که مردی با زنی برای مدت معین ازدواج کرده باشد و نکاح دائم آن است که محدود به زمان معینی نباشد (علامه حلی، بیتا: ۲۶/۲؛ کرکی، ۱۴۱۳ق: ۱۹). اختلاف در اهداف و فلسفه تشریع در نکاح مزبور سبب تفاوت هایی شده که گاه در فقه و قانون بدانها تصریح شده است؛ از قبیل: ذکر مدت، ذکر مهر، عده و... و گاهی برخی از این تفاوت ها صرفاً در لابلای متون فقهی مشاهده می شود؛ بدون اینکه در حقوق موضوعه اشارتی بدانها رفته باشد؛ از قبیل: جایز بودن نکاح موقت با اهل کتاب، عدم حصر تعدد زوجات در نکاح موقت، حق قسم و... .

علیرغم مشروعیت این نکاح، نگرشی که امروزه به این نهاد در جامعه رواج پیدا کرده، ظاهراً قانونگذار را نیز تحت تأثیر قرار داده و سبب چشمپوشی و نادیده گرفتن حقوق مزدوجین این نوع نکاح از قبیل بارداری، مستمری بازنشستگی، تابعیت و... از سوی وی شده است؛ به طوری

^۱ در استبضاع، مردی همسر خود را در اختیار مردی که شجاعت، قدرت و یا صفت پسندیده دیگری داشت قرار می داد و تا وقتی که همسرش از آن مرد باردار نمی شد، از او کناره گیری می کرد.

^۲ نکاح رهط یا ازدواج رهط یک نوع از چند شوهری در زمان جاهلیت بوده است.

^۳ یک نوع نکاح در ایام جاهلیت که همسر را با یکدیگر معاوضه می کردند.

^۴ یک نوع نکاح در ایام جاهلیت با زن پدر یا نامادری

^۵ یعنی یک زن چند شوهر داشته باشد.

^۶ خدن یعنی دوست، هرکس برای فحشاء دوستی انتخاب کند.

که هم اکنون در محاکم قضایی مسائلی از قبیل مطالبه مهر، اخذ شناسنامه، اثبات نسب و... در ازدواج موقت به علت عدم ثبت واقعه این نوع نکاح و پنهانکاری، به سختی مورد رسیدگی و صدور آرا می گردد؛ همچنین حقوق مزدوجین نکاح موقت در قوانینی مانند قانون حمایت خانواده، قانون مجازات اسلامی و قانون تأمین اجتماعی، به علت ابهام و عدم صراحت متون قانونی، قابل طرح دعوی یا رسیدگی و یا وصول نیستند؛ لذا مهمترین هدف و ضرورتی که نگارش مقاله حاضر را ایجاب کرده است، بررسی و شناخت تفاوت های مصرح و غیرمصرح ازدواج موقت با دائم در فقه و حقوق موضوعه و تبیین آثار حقوقی این تفاوت ها و تسری آنها به قوانین موجود است. جهت بررسی موضوع، محقق در پی پاسخگویی به این پرسش است که تفاوت های عقد دائم و منقطع چه بازتاب و آثاری در قوانین موضوعه دارد؟

بخش اول: معناشناسی متعه

گفته شده است که واژه «متعه» به چیزی که از آن بهره برداری می شود (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۲۳۹/۳؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۸۳/۲)؛ و همچنین انتفاع قلیل و موقت از چیزی اطلاق می شود (زبیدی، ۱۴۱۴ق: ۴۴۹/۱۱؛ قریشی، ۱۳۷۱، ۲۶۲/۶). برخی دیگر از اهل لغت گفته اند: «به هر چیزی که افاده استمتاع و التذاذ کند متعه گفته می شود» (طریحی، ۱۴۱۶ق: ۳۹۰/۴؛ مشکینی، ۱۴۱۸ق، ۱۶۷).

اما در اصطلاح و در کلمات فقیهان از ازدواجی که دارای مدت معین و مشخص باشد تعبیر به نکاح متعه می شود (عاملی، ۱۴۱۳ق: ۱۹۱؛ انصاری، ۱۴۱۵ق: ۲۷؛ روحانی، ۱۴۱۲ق: ۱۰/۲۱). در این نوع عقد که از اختصاصات مذهب شیعه است، ازدواج با مهری معین صورت گرفته و با

سرآمدن وقت تعیین شده، طرفین بدون نیاز به جاری کردن صیغه طلاق جدا می شوند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۳۷۳/۱؛ ابوجیب، ۱۴۰۸ق: ۳۶۱).

بخش دوم: پیشینه نکاح موقت

ازدواج موقت ازجمله نهادهایی است که قبل از اسلام در میان اعراب وجود داشته و شریعت مقدس اسلام با اصلاحاتی آن را امضا نمود (بیگدلی، ۱۳۸۹: ۱۶). علمای امامیه و اهل سنت اتفاق نظر دارند که نکاح موقت در صدر اسلام جایز بوده و تا آخرین لحظات عمر شریف پیامبر (ص) نیز مشروع بوده است (ابن کثیر، ۱۴۱۵ق: ۴۷۵؛ علامه حلی، بیتا: ۲۶/۲)؛ لکن امامیه اجماع در جواز و تداوم نکاح موقت داشته؛ ولی اهل سنت قائل به ممنوعیت آن در دوره های بعدی گشته اند (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۲۹۵/۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲: ۵۲/۳). لذا و با توجه به اختلاف موجود، قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۰۷۵ نکاح موقت را به رسمیت شناخته؛ اما در سایر کشورهای اسلامی این قسم از نکاح وجود ندارد؛ زیرا آن را خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه می دانند؛ امادر عین حال در برخی از آن کشورها زندگی مشترک بدون ازدواج وجود دارد (صفایی، ۱۳۸۵: ۱۵).

بخش سوم: فلسفه تشریع نکاح موقت

یکی از اهداف تشریع نکاح موقت، تخفیف و آسان گیری موجود در آن است. در این نوع نکاح نسبت به امت تخفیف داده شده تا از رواج پلیدی در جامعه جلوگیری شود و در فرضی که نکاح دائم برای شخصی مقدور نباشد، وی بتواند با شرایط مناسبی مبادرت به ازدواج موقت نماید؛ بدون اینکه مسائلی از قبیل نفقه زوجه بر وی لازم باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴۳۴/۴).

در کلامی نورانی از امام علی (ع) وارد شده است که اگر در امر خلافت، دیگری بر من پیشی نگرفته بود، کسی زنا نمی کرد؛ مگر افرادی که سرشتشان منحرف است (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۸/۵)؛ لذا راه معقولانه و منطقی برای جلوگیری از ناپاکی و آلودگی همان نکاح موقت است که شارع آن را از باب رحمت و تخفیف تجویز نموده است و از جهت سهولتی که در این نوع نکاح وجود دارد، برخی از قوانین نکاح دائم از قبیل نفقه، ارث، حق قسم و... از نکاح موقت برداشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۴۳۲/۴).

شهید مطهری در این زمینه می نویسد: «ازدواج موقت از آن جهت تشریع شده است که ازدواج دائم به تنهایی قادر نبوده است که در همه شرایط واحوال رفع احتیاجات بشر را بکند و انحصار به ازدواج دائم مستلزم این بوده است که افرادی به رهبانیت موقت مکلف گردند و یا در ورطه کمونیسم جنسی غرق شوند. بدیهی است که هیچ پسر یا دختری آنجا که برایش زمینه ی زناشویی دائم و همیشگی فراهم است خود را با یک امر موقتی سرگرم نمی کند» (مطهری، بیتا: ۶۹/۱۹). یکی دیگر از محسنات ازدواج موقت را می توان جلوگیری از بی بند و باری جنسی و تقلیل آسیب های اجتماعی دانست؛ چراکه در این نوع از نکاح، نگاهداشت عده ضروری است که این امر موجب پاکی رحم و در نتیجه جلوگیری از گسترش فرزندان بلاهویت در اجتماع خواهد شد (صادقی اردستانی، ۱۳۵۰: ۲۵۷).

بخش چهارم: تفاوت های نکاح دائم و موقت

اختلاف در اهداف تشریع دو نکاح مزبور سبب تفاوت هایی گردیده که در متون فقهی قابل پیگیری است؛ لذا در این قسمت به نحو موجز به تحلیل تفاوت های این دو نوع از نکاح

پرداخته می شود:

بند اول: تفاوت های مصرح در فقه و قوانین موضوعه

الف) تعیین مهر

قانون مدنی (ماده ۱۰۹۵) به تبع فقهای امامیه عدم ذکر مهر در نکاح موقت را موجب بطلان آن می داند (ر.ک: کاشف الغطاء، ۱۴۲۳ق: ۱۳۸/۴؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق: ۸۴/۲۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۱ق: ۳۳۲).

تقنین این ماده مستظهر به برخی از مبانی فقهی از جمله آیه ۲۴ سوره نساء می باشد: «فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۴۲۴/۴).

دلیل دیگر بر رکن بودن مهریه، روایاتی است که در این زمینه وارد شده است. این روایات بر دو قسم هستند؛ دسته اول: روایاتی که به صراحت عدم ذکر مهر در نکاح موقت را موجب بطلان آن می دانند (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۶/۵)؛ دسته دوم: روایاتی که نکاح موقت را به «مستأجرات» تشبیه کرده اند (بروجردی، ۱۳۸۰: ۴۶/۲۶)؛ چراکه با قید «مستأجره»، ذکر مهر در نکاح موقت همانند سایر عقود معاوضی از قبیل اجاره لازم می شود که اخلال در آن موجب بطلان آن خواهد شد (کرکی، ۱۴۱۵ق: ۱۹/۱۳)؛ همچنین گفته شده است نکاح دائم برای تولید نسل و نکاح موقت برای انتفاع و استمتاع و شبیه به عقد اجاره است و مهر در نکاح موقت عوض از اجاره است؛ پس ذکر آن شرط است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۲/۳۰). در وجوب این امر به اجماع محصل و منقول نیز استناد شده است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۰/۳۰)؛ که البته نقل چنین اجماعاتی فارغ از بعید بودن امکان تحقق برخی اقسام آن از قبیل اجماع محصل، با محذور

مدرکی بودن مواجه است؛ و لذا چنین اجماعی دلیلی قائم بر نفس خویش نمی تواند تلقی گردد.

ب) تعیین مدت

تعیین مدت ویژگی بارزی است که با اتمام آن، ازدواج موقت بدون نیاز به طلاق به پایان می رسد. برخی از فقها معتقدند اگر مدت تعیین نگردد، عقد قهراً و به خودی خود به ازدواج دائم تبدیل می شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۲/۳۰؛ مغنیه، ۱۴۲۱ق: ۲۴۲/۵)؛ اما برخی دیگر با توجه به قاعده «ماوقع لم يقصد و ما قصد لم يقع» قائل به بطلان نکاح موقت هستند (شهیدثانی، ۱۴۱۰ق: ۲۸۷/۵؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۲ق: ۱۵۰). این نظریه بین حقوقدانان مقبولتر افتاده است (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۲۷-۲۶). قانون مدنی در ماده ۱۰۷۶ تصریح دارد که نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شده باشد. بنابراین قانون مزبور مدت را در نکاح موقت جزو ذات و ماهیت عقد می داند. در این زمینه روایاتی وجود دارند که به صراحت ذکر «اجل» را در نکاح شرط دانسته اند: «...سَأَلْتُ، أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ الْمِ، تَعَهُ فَقَالَ مَهْرٌ مَعْلٌ، وَمُ إِلَى أَجَلٍ مَعْلٌ، وَمِ» (طوسی، ۱۴۰۷ق: ۲۶۲/۷؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۴۳/۲۱).

ج) نفقه

نفقه از منظر فقیهان امامیه چیزی است که زن به طور متعارف برای گذران زندگی خود به آن نیاز دارد؛ از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق: ۱۱۷/۳؛ فاضل آبی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۴/۲؛ خمینی، بیتا: ۳۱۵/۲). حقوقدانان به اقتضای مشهور فقیهان

(ابن براج، ۱۴۰۶ق: ۳۴۲/۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۱۹/۲۵؛ سبحانی، بیتا: ۳۶۶/۲) ملاک در شناخت و پرداخت نفقه را عرف می دانند (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۱۴۵).

قانون مدنی تعریفی از نفقه ارائه ننموده و فقط مصادیقی از قبیل غذا، البسه و اثاث الیه^۱ را در ماده ۱۲۰۴^۲ جزو مصادیق نفقه ذکر کرده است. لکن برخلاف عقد دائم، در نکاح موقت پرداخت نفقه ضروری نمی باشد. در این باره اخباری وارد شده اند که به صراحت بر این امر دلالت دارند (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۹/۲۱). از منظر تحلیل عقلی نیز هدف شارع مقدس از تأسیس نهاد ازدواج موقت، تسهیل و آسان کردن امر ازدواج است که با برداشتن مسائلی از قبیل نفقه، محذوریت های ازدواج دائم از میان برداشته می شود.

(د) ارث

در ماده ۹۴۰ قانون مدنی^۳ مقرر شده است که زوجین در صورتی از یکدیگر ارث می برند که زوجیت آنها دائم و ممنوع از ارث نباشند. مفهوم مخالف ماده آن است که اگر نکاح موقت (منقطع) باشد زوجین از یکدیگر ارث نمی برند. در تبیین چرایی عدم ارث بری در نکاح موقت، فقیهان به ادله گوناگونی استناد جسته اند؛ از قبیل اصل عدم؛ با این توضیح که اصل، عدم ارث زوجه در نکاح موقت است؛ زیرا ارث حکم شرعی است و متوقف بر ثبوت آن است و شارع این وظیفه را در نکاح موقت قرار نداده است (کرکی، ۱۴۱۵ق: ۱۲/۱۳). افزون بر

^۱ ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی: نفقه عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث الیه که به طور متعارف با وضعیت زن متناسب باشد و خادم در صورت عادت زن یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا.

^۲ ماده ۱۲۰۴ قانون مدنی: نفقه اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث الیه که به قدر رفع حاجب با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.

^۳ ماده ۹۴۰ قانون مدنی: زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می برند.

این، روایاتی نیز وجود دارند که بر عدم توارث میان زوجین عقد منقطع تأکید ورزیده اند (طوسی، ۱۳۹۰: ۱۵۰/۳).

ح) عده

عده مدتی را گویند که زن پس از جدایی از شوهر در حالت انتظار است؛ برای اینکه رحم وی خالی از حمل باشد؛ اعم از اینکه علت جدایی طلاق، فسخ نکاح، موت و بذل مدت یا انقضای آن باشد (جزیری، ۱۴۱۹ق: ۶۰۴/۴؛ سبزواری، ۱۴۲۳ق: ۳۴۸/۲). زنان اگر در عقد موقت عادت منظم داشته باشند، باید دو طهر و اگر مستترابه باشند باید ۴۵ روز عده نگه دارند؛ و همچنین در عده وفات در نکاح دائم و موقت، زن باید عده وفات یعنی ۴ ماه و ده روز، عده نگه دارد و اگر زنی در نکاح موقت باردار باشد باید عده وضع حمل نگه دارد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۸۶/۱؛ محقق داماد، ۱۳۶۸: ۴۴۷). روایات بسیاری وجود دارند که عده زوجه موقت را نصف نکاح دائم دانسته اند؛ این روایات دو گروه هستند؛ اول: روایاتی که دلالت دارند عده زوجه موقت یک حیض است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۸/۱۴)؛ دوم: روایاتی که عده نکاح موقت را به عده کنیز تشبیه نموده اند (کافی، ۱۴۰۷ق: ۴۵۱/۵).

بند دوم: تفاوت های غیرمصرح نکاح موقت با دائم در قوانین موضوعه

نکاح موقت با نکاح دائم تفاوت هایی نیز دارد که در قوانین موضوعه بدانها اشاره ای نشده است؛ اما در آثار فقهی به تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته اند (ر.ک: نجفی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۸/۳۰؛ کرکی، ۱۴۱۵ق: ۳۵/۱۳).

الف) کفالت

کفالت به معنای تساوی زوجین در اسلام و ایمان است (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۵/۲۳۴). قانون مدنی در ماده ۱۰۵۹ نکاح زنان و مردان مسلمان با سایر ادیان را جایز نمی داند؛ اما بعضی از فقهای امامیه بر این باورند که نکاح موقت مردان مسلمان با زنان اهل کتاب جایز است (شهید اول، ۱۴۱۱ق: ۵۰/۲). شهید ثانی در جواز و عدم جواز نکاح موقت با زنان اهل کتاب اقوال متفاوتی را ذکر نموده که حکایت از اختلاف نظر فقیهان در مسئله دارد؛ اما در هر حال از منظر ایشان اشهر اقوال جواز چنین ازدواجی است (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۷/۳۵۸).

ب) ایلاء

ایلاء بر سوگند شوهر بر ترک آمیزش با همسر دائمی خود برای همیشه یا بیشتر از چهار ماه به قصد اضرار به او اطلاق می شود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۱/۷۴۸). مشهور فقهای امامیه قائل اند که در نکاح موقت ایلاء وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۸۸/۳۰). بیشتر فقها با این استدلال که آیه ۲۲۷ سوره بقره از طلاق سخن گفته و نیز با بهره جستن از تعبیر «نِسَائِهِمْ» حکم ایلاء را به زوجة دائمی منحصر کرده و آن را شامل زوجة در عقد موقت و نیز ملک یمین نمی دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۱۰/۱۳۴؛ کرکی، ۱۴۱۵ق: ۱۳/۳۴)؛ همچنین گفته شده که اجرای آن در نکاح موقت خلاف اصل است (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۸۸/۳۰).

ج) سه طلاقه کردن

زنی که سه بار طلاق داده شده باشد، سه طلاقه نامیده می شود. اگر مردی همسرش را، با شرایط ذکر شده و معتبر، سه بار طلاق دهد، آن زن بر وی حرام می شود و حلال شدند و

منوط به این است که زن با مردی دیگر ازدواج کند و پس از آمیزش آن مرد او را طلاق دهد (فاضل هندی، ۱۴۱۶ق: ۵۱/۸؛ سبحانی، ۱۴۱۴ق: ۱۵۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۵۵۶/۴). سه طلاقه نزد امامیه در سه مرحله و سه زمان صورت می گیرد؛ برعکس اهل سنت که آن را در یک مرحله جایز می دانند (محقق داماد، ۱۳۶۸: ۱۳۴). فقیهان امامیه به نصوصی از منابع روایی تمسک می کنند که احکام سه طلاقه را در نکاح موقت جاری نمی داند؛ از باب نمونه از امام صادق (ع) منقول است که: «... عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي الرَّجُلِ لِيَتَمَتَّعَ مِنَ الْمَرْأَةِ الْمَرَاتِ قَالَ: لَأَبَاسَ يَتَمَتَّعُ مِنْهَا مَا شَاءَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۴۶۰/۵).

بنابراین گرچه در ازدواج دائم جایز نیست یک مرد بیش از سه بار زن خود را طلاق داده و سپس با او ازدواج مجدد کند و در چنین فرضی نیازمند به وجود محلّل است؛ اما در ازدواج موقت مسئله سه طلاقه مطرح نیست و آنچه از روایات استنباط می شود این است که چنین امری در ازدواج موقت راه ندارد.

(د) حق قسم

حق قَسَم که از آن تعبیر به حق همخوابگی نیز می شود، یکی از حقوق مشترک زن و شوهر در هنگام ازدواج است. براساس نظر مشهور در فقه امامیه شوهر وظیفه دارد در هر چهار شب دست کم یک شب را با همسر خود همبستر شود. این حق به محض ازدواج شروع و هر چهار شب یک بار به طور منظم تکرار می شود. به این ترتیب اگر مردی چهار زن داشته باشد همه شبهایش در اختیار همسرانش است. آنچه در این حق واجب است خوابیدن در کنار هم در یک بستر است و نه آمیزش جنسی: «أَمَّا الْقِسْمُ: فَلِلزَّوْجَةِ الْوَاحِدَةِ لَيْلَةٌ وَلِلْإِثْنَيْنِ لَيْلَتَانِ؛ وَلِلثَلَاثِ ثَلَاثُ

... والواجب المضاجعة، لا المواقعة» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق: ۴۱۸/۳؛ خوانساری، ۱۴۰۵ق: ۴۲۵/۴).

در عدم ثبوت حق قسم در نکاح موقت می توان به دلایل ذیل استناد نمود:

۱- آیات: صاحب جواهر معتقد است آیه سوم سوره نساء: «وَإِنْ خِفْتُمْ مُمْ أَلَاتِ، قُسط، وَا فِي الْيَتَامَى فَانْكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ، مُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَ ثَلَاثَ وَ رِبَاعًا»، مخصوص عقد دائم است؛ و لذا در نکاح موقت جاری نمی شود (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۰/۳۰).

۲- روایات: نصوص روایی دلالت دارند که حق قسم از مختصات عقد دائم است و در نکاح موقت جاری نمی شود. شیخ حر عاملی در وسائل در بابی تحت عنوان «بَابُ، أَنَّهُ، كَا نَفَقَةٍ وَ كَا قَسَمَوْ كَا عِدَّةً عَلَى الرَّجُلِ فِي الْمِ، تَعَهُ...» به پاره ای از روایات در این زمینه اشاره داشته است (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۷۹/۲۱).

ح) لعان

لعان عبارت است از اینکه زن و شوهر با سوگندهای ویژه ای یکدیگر را تخطئه کنند. لعان هنگامی تحقق می یابد که شوهر به زن خود نسبت زنا دهد؛ یا فرزندی را که زن به دنیا آورده است از خود نفی کند (محقق داماد، ۱۳۶۸: ۱۱۳؛ قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۹۵/۶؛ شهابی، ۱۴۱۷ق: ۳۱۵/۱).

باید توجه داشت که هر دو شاخه لعان در مورد عقد دائم است و در عقد موقت لعان نیست؛ یعنی اگر شخصی زوجه خود را قذف کند و شهادی بر ادعای خود نداشته باشد حدّ قذف (هشتاد تازیانه) بر وی جاری خواهد شد و در شاخه دوم هم ولد بدون لعان از او نفی ولد می

شود (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق: ۵/۶۴). این دیدگاه مستظهر به برخی روایات است که در مسئله وارد شده است؛ از جمله ابن ابی یعفور از امام صادق (ع) که حضرت می فرمایند: «لَا ي، لَاعِن، الرَّجُل، الْمَرْأَةَ الَّتِي يَتَمَتَّعُ بِهَا» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۶/۱۶۶).

نحوه استنباط از روایت این چنین است که روایت به اطلاق خود، ملاعنه را به طور کلی در عقد موقت نفی می کند؛ یعنی بر حسب اطلاق روایت، ملاعنه به طور مطلق در عقد موقت نیست؛ نه برای قذف و نه برای نفی ولد؛ ولذا نسبت به قذف حد جاری شده و در صورت نفی ولد نیز فرزند بدون ملاعنه نفی می شود.

خ) طلاق

طلاق عبارت از انحلال عقد دائم است (محقق داماد، ۱۳۶۸: ۳۸۰). فقیهان امامی طلاق را مخصوص نکاح دائم می دانند و نکاح موقت را به انقضاء یا بذل مدت پایان پذیر می دانند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق: ۹/۳۴؛ زین الدین، ۱۴۱۳ق: ۷/۱۱۰). قانونگذار ایرانی نیز به تبعیت از فقه امامیه در ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی انقضاء مدت و در ماده ۱۰۹۷ قانون مدنی بذل مدت را پایان نکاح موقت دانسته است.

مبنای مواد مذکور روایات متعددی است که در فرض بحث وارد شده است؛ از باب نمونه از امام صادق (ع) روایت شده است که: «...فَإِذَا انْقَضَى الْأَجَلُ، بَانَ مِنْهُ، بِغَيْرِ طَلَاقٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۴۵۱). بدین معنا که پس از انقضای مدت، زوجه بدون اینکه احتیاج به طلاق باشد، از همسر خود جدا می شود. صاحب جواهر از اجماعی بودن دیدگاه مزبور با عبارت «لاخلاف نصاً و لا فتوی» یاد می کند (نجفی، ۱۴۰۴ق: ۳۰/۱۸۸).

و) عدم لزوم استیفای عدد

استیفای عدد در ازدواج دائم، از اسباب تحریم نکاح است؛ بدین معنا که مرد آزاد با داشتن چهار زن آزاد یا دو کنیز به عقد دائم، به ترتیب نمی تواند زن آزاد پنجم و کنیز سومی را به عقد دائم خویش درآورد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۱/۴۷۴). چنین امری فقط در نکاح دائم شرط است و لذا شامل عقد موقت نمی شود؛ چراکه از یک سو آیه سوم سوره نساء که پیش تر گذشت به تصریح برخی فقیهان از جمله صاحب جواهر به عقد دائم اختصاص دارد؛ و از سوی دیگر روایات بسیاری در تأیید دیدگاه مزبور وارد شده اند؛ به عنوان مثال زراره از امام صادق (ع) نقل می کند که: «ذَكَرْتُ، لَهُ، اَلْمَ، تُعَةُ اَهِیَ مِنْ اَلْأَرْبَعِ فَقَالَ تَزَوَّجْ مِنْهُ، نَّ اَلْفَا فَإِنَّهُ، نَّ م، سَتَا جَرَاتُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۵/۴۵۲). و در روایت دیگری از امام (ع) می پرسد: «ق، لَت، مَا یَحِلُّ، مِنْ اَلْمَ، تُعَةُ قَالَ كَمْ شِئْتَ» (همان: ۴۵۱).

بخش چهارم: تحلیل آثار حقوقی تفاوت های دو نهاد دائم و موقت

اختلاف در فلسفه و اهداف، سبب تفاوت هایی بین نهاد ازدواج دائم و موقت شده است که در سطور پیشین بدانها اشاره شد؛ متعاقباً آثار حقوقی این تفاوت ها در قوانین موضوعه مانند تفاوت دو نهاد در قانون حمایت از خانواده (لزوم ثبت نکاح دائم و عدم لزوم ثبت نکاح موقت)، قانون مجازات اسلامی (جرم بودن عدم ثبت ازدواج دائم و عدم جرم انگاری ثبت نکاح موقت) و قانون تأمین اجتماعی (حمایت های درمانی، کمک ازدواج، عائله مندی و بازنشستگی خاص نکاح دائم) بروز و ظهور کرده است که در ادامه مورد بررسی قرار می گیرند.

بند اول: تأمین اجتماعی

در مقاله پیش رو راهبردهای این حوزه از قبیل: خدمات درمانی، کمک ازدواج، عائله مندی، مستمری بگیری و... به خلاصه مورد بررسی و تبیین قرار می گیرند:

الف) خدمات درمانی

طبق ماده ۵۴ قانون تأمین اجتماعی: «بیمه شدگان و افراد خانواده آنها از زمانی که مشمول مقررات این قانون قرار می گیرند ... می توانند از خدمات پزشکی استفاده نمایند». همچنین مطابق ماده ۵۸ قانون فوق الذکر: «افراد خانواده بیمه شده که از کمک های مقرر در ماده ۵۴ این قانون استفاده می کنند عبارتند از: ۱- همسر بیمه شده. ۲- شوهر بیمه شده ...». به نظر می رسد ظاهر مواد مزبور، ازدواج موقت را شامل نمی شود و لفظ «خانواده» و همچنین «همسر» انصراف به نکاح دائم داشته و لذا نکاح موقت مشمول خدمات درمانی نشده و عملاً زوجین نکاح موقت از این خدمات بهره مند نمی شوند؛ حال آنکه می توان تمهیداتی را اندیشید که همسران این نوع از نکاح؛ خاصه آنانی که دوره عقد آنها طولانی تر و برای مدت زمان زیادی است و طبعاً از این حیث می توان آنها را شریک زندگی و همسر خطاب نمود، از این مزایا بهره مند شوند.

ب) بارداری

قانونگذار ایرانی فقط زنان باردار نکاح دائم را مورد حمایت قانونی قرار داده است. طبق مواد

۶۷ و ۶۸ قانون تأمین اجتماعی، بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد، هر دو می توانند از

خدمات بیمه استفاده کنند: «بیمه شده زن یا همسر بیمه شده مرد در صورتی که ظرف یک سال قبل از زایمان سابقه پرداخت حق بیمه شصت روز را داشته باشد می تواند به شرط عدم اشتغال به کار از کمک بارداری استفاده نماید». لذا با توجه به همان ظهور عرفی، زوجه موقت از شمول قانون خارج شده و در نهایت این حق در مورد زوجین نکاح موقت اعمال نمی گردد.

ج) بازنشستگی

طبق مواد ۸۱ قانون تأمین اجتماعی^۱ و ۴۸ قانون حمایت از خانواده^۲، منظور از بازماندگان قانونی، افراد بازمانده ای هستند که حق استفاده از مستمری را دارا می باشند. همچنین طبق بند ۱ ماده ۸۱ قانون تأمین اجتماعی و ماده ۴۸ قانون حمایت از خانواده، قانونگذار به صراحت صرفاً نکاح دائم را مشمول مستمری بازنشستگی می داند و زوجه موقت را از این حق محروم کرده است.

^۱ ماده ۸۱: بازماندگان واجد شرایط متوفی که استحقاق دریافت مستمری را خواهند داشت عبارتند از:

۱- عیال دائم بیمه شده متوفی مادام که شوهر اختیار نکرده است.

تبصره: همسران بیمه شدگان متوفی که شوهر اختیار نموده اند (عقد دائم) در صورت فوت شوهر دوم، توسط تأمین اجتماعی مجدداً به آنها مستمری پرداخت خواهد شد. بار مالی ناشی از این تبصره از محل سه درصد (۳٪) کمک دولت به بیمه شدگان تأمین خواهد شد. آئین نامه اجرائی این قانون ظرف مدت دو ماه توسط سازمان تأمین اجتماعی پیشنهاد و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

^۲ ماده ۴۸: میزان حقوق وظیفه یا مستمری زوجه دائم متوفی و فرزندان و سایر وراث قانونی وی و نحوه تقسیم آن در تمام صندوقهای بازنشستگی اعم از کشوری، لشکری، تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای خاص به ترتیب زیر است:

۱- زوجه دائم متوفی از حقوق وظیفه یا مستمری وی برخوردار می گردد و ازدواج وی مانع دریافت حقوق مذکور نیست و در صورت فوت شوهر بعدی و تعلق حقوق به زوجه در اثر آن، بیشترین مستمری ملاک عمل است.

د) کمک عائله مندی

طبق ماده ۸۶ قانون تأمین اجتماعی، این کمک ها به خانواده هایی که دارای ۲ فرزند هستند پرداخت می گردد و عائله مندی شامل نکاح دائم است، چون بند ۳ ماده ۸۵ قانون مذکور با صراحت نکاح دائم را قید نموده است و لذا شامل عقد موقت نمی شود.

بند دوم: ثبت نکاح موقت

قانونگذار در قانون ازدواج ۱۳۱۰ و ۱۳۱۶ و الحاقی ۱۳۱۷، بدون توجه به نوع نکاح (دائم یا موقت) ثبت نکاح را اجباری نموده بود؛ اما مقنن به صراحت در ماده ۷ مقررات متحدالشکل بودن ثبت ازدواج و طلاق، مصوب مرداد ۱۳۱۱، عقد موقت و کیفیت ثبت بذل مدت آن را مورد عنایت و توجه قرارداد.^۱ در سال ۱۳۶۳ شورای نگهبان مجازات نکاح بدون ثبت را طبق نظریه شماره ۱۴۸۸ خلاف شرع اعلام نمود و بعداً مقنن در ماده ۸۷۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، صرفاً عدم ثبت ازدواج دائم را جرم انگاری نموده و ثبت نکاح موقت را الزامی ندانست (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۵۸). در خرداد ۱۳۸۶ به پیشنهاد قوه قضائیه لایحه حمایت از خانواده در هیئت دولت به تصویب رسید و جهت تشریفات قانونی به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مقرر گردید تا ثبت نکاح دائم را الزامی و ثبت ازدواج موقت را تابع آیین نامه ای که به تصویب وزیر دادگستری می رسد بنمایند. در این راستا، لایحه تنظیم شده توسط قوه قضائیه، ثبت نکاح موقت را در مواردی در ماده ۲۱ حمایت خانواده محدود و مقرر کرد که این نوع نکاح تابع موازین شرعی و مقررات قانون مدنی است (همان: ۶۰)، و ثبت آن در سه مورد «۱- باردارشدن زوجه. ۲- توافق طرفین. ۳- شرط ضمن عقد» الزامی است. اکنون این نوع نکاح

^۱ «در مورد عقد انقطاعی در صورتی که زوج حین مدت بخواهد از بقیه مدت صرفنظر کند، باید نزد صاحب دفتر حاضر شده و بذل مدت در ستون ملاحظات دفتر ورقه عقدنامه نوشته و به امضای صاحب دفتر و زوج رسانده شود و سواد (رونوشت) از آن توسط اداره ثبت محل برای زوجه ارسال گردد».

به صورت دفترچه با عنوان نکاح نامه به صورت عادی تنظیم و بدون مراجعه به دفاتر ازدواج صورت می گیرد که خود آثار مخربی از قبیل دادخواست های مطرح در محاکم با موضوع اثبات زوجیت به علت پنهان کاری (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۶۱)، و اثبات نسب، فقدان تأمین اجتماعی، خدمات بهداشت و درمان، اخذ شناسنامه، وضعیت عده زن و... به جا گذاشته است؛ لذا با وجود نقایص مذکور، باید ثبت این نوع نکاح را الزامی نمود تا حقوق زوجین آن حفظ گردد. به نظر می رسد تنها ضمانت اجرای معقول بر عدم ثبت این نکاح، ضمانت اجرای کیفری آن در راستای اصل قانونی بودن جرائم و مجازات ها، ماده ۲ قانون مجازات اسلامی^۱ است؛ تا از یک سو درج ضمانت اجرای کیفری بر عدم ثبت نکاح موقت سبب شود پنهان کاری، بی عفتی و اعمال خلاف آن در جامعه رخت بربندد؛ و از سوی دیگر در اثر ثبت این نکاح حقوق زوجین از قبیل اخذ شناسنامه و... به سهولت قابل وصول باشند. همچنین برای دخالت کنندگان در عقد نکاح موقت همانند دائم در مواد ۲۰ و ۴۹ قانون حمایت از خانواده و ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی^۴ جرم انگاری شود؛ زیرا عدم ثبت نکاح موقت از خلاهای قانونی امروزی و موجب آسیب های اجتماعی جدی و تضییع حقوق مزدوجین این نکاح گردیده است.

^۱ ماده ۲ ق.م.ا: «هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده است جرم محسوب می شود».

^۲ ثبت نکاح دائم، فسخ و انفساخ آن، طلاق، رجوع و اعلام بطلان نکاح یا طلاق الزامی است.

^۳ چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی به ازدواج دائم، طلاق یا فسخ نکاح اقدام یا پس از رجوع تا یک ماه از ثبت آن خودداری یا در مواردی که ثبت نکاح موقت الزامی است از ثبت آن امتناع کند، ضمن الزام به ثبت واقعه به پرداخت جزای نقدی درجه پنج و یا حبس تعزیری درجه هفت محکوم می شود. این مجازات در مورد مردی که از ثبت انفساخ نکاح و اعلام بطلان نکاح یا طلاق استنکاف کند نیز مقرر است.

^۴ به منظور حفظ کیان خانواده، ثبت واقعه ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنان چه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یک سال محکوم می گردد.

بند سوم: تابعیت

طبق بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی: «هر زن تبعه خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند، ایرانی محسوب می شود». معمولاً در این صورت «سیستم وحدت تابعیت» تجویز می شود. در قانون ایران نیز به نحو مرسوم بین المللی هر دو سیستم استفاده می شود (همان: ۶۷)؛ لذا با توجه به دلایل ذیل می توان نتیجه گرفت که تابعیت مختص نکاح دائم است: ۱- مواد ۲۰ و ۴۹ قانون حمایت خانواده در خصوص ثبت الزامی نکاح دائم است؛ ۲- کثرت استعمال تعینی و ظهور عرفی غالب نکاح دائم در محاورات؛ ۳- تبادل نکاح دائم؛ ۴- رجوع به کتب حقوق بین الملل خصوصی حقوقدانان ایرانی به عنوان منبع و سکوت آنها در خصوص تابعیت نکاح موقت بند ۶ ماده ۹۷۶ که انصراف این امور را به نکاح دائم می کند. همچنین مطابق بند اول ماده ۹۷۶ قانون مدنی تابعیت یک امر سیاسی است و حقی است که به وسیله ازدواج ایجاد می شود و دولت ها آن را اعطا می نمایند و از آنجا که اختیار کردن شوهر غالباً انصراف به عقد دائم دارد و عرف نیز همین معنا را تأیید می نماید؛ لذا نکاح موقت عملاً مشمول این ماده نمی گردد. همچنین و از سوی دیگر قوانین کشورها نسبت به زن هایی که با مردان خارجی ازدواج می کنند، متفاوت است و از یک شیوه تبعیت نمی کنند. در این باره قانونگذار ایرانی در ماده ۹۸۷ قانون مدنی مقرر کرده است: «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند؛ مگر آنکه مطابق قانون مملکت زوج، تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوج تحمیل شود». قانونگذار برای ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی مقرراتی از لحاظ ماهوی و شکلی وضع نموده است که رعایت آنها لازم است. مواد ۱۰۵۹ و ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج بانوان ایرانی با اتباع خارجی را در صورتی که موانع قانونی نداشته باشند، موکول به اجازه مخصوص نموده است که دولت باید در هر نقطه مرجعی را برای دادن اجازه معین

کند؛ لذا عدم رعایت مقررات توسط مرد خارجی که بدون اجازه مذکور با زن ایرانی ازدواج کند، طبق ماده ۵۱ قانون حمایت از خانواده، منجر به حبس تعزیری درجه پنج خواهد شد. به نظر می رسد که ماده ۹۷۸ قانون مدنی فقط شامل ازدواج دائم است؛ زیرا در قوانین بسیاری از کشورها نکاح موقت قابل تصور نیست و اگرچه در برخی از کشورهای اسلامی از جمله عراق، لبنان، پاکستان و... نکاح موقت رواج دارد؛ ولی در قوانین آنها پذیرفته نشده است (صفایی و امامی، ۱۳۸۵: ۱۵)؛ و چنین امری به زعم آنها خلاف نظم عمومی و اخلاق حسنه تلقی شده است؛ پس اعمال ماده ۹۷۸ ق.م شامل ازدواج موقت نمی گردد.

نتیجه گیری

از دیرباز در منابع حقوقی و قوانین موضوعه کشور، به پیروی از فقه امامیه، ازدواج موقت مطرح بوده که از آن تعبیر به «نکاح متعه» یا «عقد منقطع» شده است. فلسفه و اهداف تشریع نکاح موقت با دائم متفاوت بوده و شارع حکیم به مقتضای شناخت کاملی که از انسان دارد و با توجه به خلقیات و ویژگی هایی که در نهاد بشریت تعبیه نموده است، در تشریع این قسم از نکاح مصالح اجتماعی و نیازهای جنسی و جسمی و همچنین جلوگیری از لجام گسیختگی و بی بند و باری افراد اجتماع را مد نظر قرار داده است. به نظر می رسد با توجه به تفاوت های موجود میان عقد دائم و منقطع، قوانین موضوعه کشور نیز این تفاوت ها را لحاظ کرده و در وضع قوانین بین نکاح دائم و منقطع فرق گذاشته اند؛ از جمله در زمینه هایی از قبیل مهر، مدت، ارث، نفقه و عده بین دو نوع نکاح فرق گذاشته شده است و پاره ای از حقوق را صرفاً در ازدواج دائم به رسمیت شناخته است. آثار این تفاوت ها در قانون تأمین اجتماعی، قانون حمایت از خانواده، قانون مجازات اسلامی و ... نمود و تجلی یافته است. ذکر این نکته

ضروری است که اگرچه بین این دو قسم از نکاح تفاوت وجود داشته و طبعاً در مواردی نیز این تفاوت ها منشاء اثر در حقوق موضوعه شده است؛ لکن محروم کردن کلی زوجه موقت از تمامی حقوق و مزایا، مطابق عدالت و انصاف نبوده و ضروری است پاره ای از حقوق برای وی نیز در نظر گرفته شود؛ لذا مطابق دستاوردهای نوشتار حاضر پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می شود:

۱- با توجه به شرایط اجتماعی و مقتضیات زمان، در خصوص نکاح موقت ضرورت دارد مقررات جامعی وضع گردد و ضمن شفاف سازی قوانین، خلأهای قانونی موجود در این زمینه مرتفع شود.

۲- از آنجا که افزایش آگاهی افراد، نسبت به فواید، شرایط و آثار ازدواج موقت یک ضرورت در روزگار کنونی است؛ لذا باید در این زمینه از طریق رسانه های عمومی، اطلاع رسانی های لازم و مؤثر صورت گیرد.

۳- قانون تأمین اجتماعی، دست کم در بخش هایی از آن که نیازهای اولیه، ابتدایی و ضروری زندگی را در برمی گیرد از قبیل: خدمات درمانی، دارو، زایمان و ... بازنگری شده و نکاح موقت را نیز پوشش دهد.

۴- در راستای حفظ کیان خانواده و جلوگیری از بروز اختلاف و پنهان کاری، پیشنهاد می شود ثبت نکاح موقت الزامی شده و جرم انگاری شود؛ همچنین نظارت قوی و کارآمد مراجع مربوط می تواند در کاهش آسیب های ازدواج موقت مؤثر واقع شود.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ق)، کتاب النکاح، قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- بیگدلی، محرم علی (۱۳۸۹)، ازدواج موقت، چ ۳، تهران: انتشارات فردوسی.
- روحانی، سید صادق حسینی (۱۴۱۲ق)، فقه الصادق علیه السلام، قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق.
- زبیدی، مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر.
- سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ق)، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، چ ۲، دمشق: دارالفکر.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰ق)، کتاب العین، چ ۲، قم: نشر هجرت.
- محمود، عبد الرحمان (۱۴۲۰ق)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ۳ جلد، بیجا.
- ابن براج، قاضی عبد العزیز (۱۴۰۶ق)، المذهب، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، المذهب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن کثیر، اسماعیل (۱۴۱۵ق)، تفسیر ابن کثیر ابی الفداء، بیروت: دارالمعرفه.

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، چ ۳، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- بحرانی، یوسف بن احمد (۱۴۰۵ق)، الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- جزیری، عبد الرحمن (۱۴۱۹ق)، الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب أهل البيت، بیروت: دارالثقلین.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- حسینی، محمد علی (۱۳۹۲)، تعدد زوجات در تاریخ و ادیان، قم: انتشارات حقوق امروز.
- خمینی، سیدروح الله موسوی (بیتا)، تحریر الوسیله، ۲ جلد، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
- خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵ق)، جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت: دار العلم.
- سبحانی، جعفر (بیتا)، نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء، ۲ جلد، قم: مؤسسه امام صادق.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۴ق)، نظام الطلاق فی الشریعة الإسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امامصادق.
- سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳ق)، مهذب الأحکام، چ ۴، قم: مؤسسه المنار.
- سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، کفایة الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- شهابی، محمود بن عبدالسلام (۱۴۱۷ق)، ادوار فقه، چ ۵، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
- شهیداول، محمد بن جمال الدین (۱۴۱۱ق)، اللمعه الدمشقیه، قم: دارالفکر.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ق)، الروضه البهیة فی شرح اللمعه الدمشقیه، قم: کتابفروشی داوری.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق)، مسالك الأفهام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- صادقی اردستانی، احمد (۱۳۵۰)، اسلام و مسائل زناشویی و جنسی، تهران: موسسه مطبوعاتی خزر.
- صفایی، سیدحسن و امامی، اسدالله (۱۳۸۵)، مختصر حقوق خانواده، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- طباطبایی بروجردی، محمدحسین (۱۳۸۰)، جامع الاحادیث الشیعه، قم: موسسه واصف.
- طباطبایی حکیم، سیدمحسن (بیتا)، مستمسک عروه الوثقی، بیروت: دار احیاء التراث.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶ق)، مجمع البحرین، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ق)، قواعد الأحکام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (بی‌تا)، تحریر الأحکام، مشهد: مؤسسه آل البيت.
- فاضل آبی، حسن بن ابی طالب (۱۴۱۷ق)، کشف الرموز فی شرح مختصر النافع، چ ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فاضل لنکرانی، محمد موحدی (۱۴۲۱ق)، تفصیل الشریعہ - النکاح، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار.
- فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق)، کشف اللثام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، چ ۶، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- کاشف الغطاء، احمد بن علی (۱۴۲۳ق)، سفینه النجاة و مشکاة الهدی، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کاشف الغطاء، حسن بن جعفر (۱۴۲۲ق)، أنوار الفقاهة - کتاب النکاح، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۶۸)، بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: نشر علوم اسلامی.
- مطهری، مرتضی (بی‌تا)، فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ۳ جلد، قم.

- محقق کرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۵ق)، جامع المقاصد، قم: ناشر ستاره.
- محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۳ق)، الموجز فی المتعۀ، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مشکینی، میرزا علی (۱۴۱۸ق)، مصطلحات الفقه، بیجا.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق)، فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم: مؤسسه انصاریان.
- مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق)، التفسیر الکاشف، قم: دار الکتاب الإسلامی.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، أحكام النساء، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، تفسیر نمونه، ج ۷، قم: اسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق)، کتاب النکاح، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
- نجفی، محمدحسن (۱۴۱۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسه آل البيت.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه.